آیین اسلام



سال چهارم

شماره

۱۵

(۱۷۰)

جمعه ۲۳ مرداد ۱۳۲۶
۲۷ رمضان ۱۳۶۶
صاحب امتیاز و مدیر و سردبیر
«نصرت الله نوریانی»
سال چهارم شماره ۱۵
شماره مسلسل ۱۷۰

آئین اسلام

إِنَّ الدِّينَ عِندَ اللَّهِ الإِسْلَامُ

بهای اشتراک
در کشور سالیانه ۲۰۰ ریال
برای دانشجویان و کارگران
۱۵۰ ریال
در خارج سالیانه ۳۰۰ ریال
تکشماره پنج ریال
بهای اشتراک قبلا دریافت میشود

نشانی: تهران انتهای خیابان امیریه (سرپل امیر بهادر) تلفون ۸۹۱۹

راه حج تا کی بسته خواهد شد؟

دوروز دیگر ماه مبارك رمضان بپایان میرسدووظیفهٔ مسلمانان وظیفه شناس درباره روزه داری خاتمه می‌یابد و تنها برای کسانیکه ازانجام وظایف دینی خود غفلت نمودند روسیاهی میماند. در این ماه از بخشنامهٔ دولت هم کوچکترین تأثیری در جامعه مشاهده نکردیم وخوددولت هم گویا مایل بود که فقط صورتاً یك چنین بخشنامه صادر نموده وسپس بهیچ وجه بدان ترتیب اثر ندهد و شنیده نشدکه یکنفر مأمور دولت یکی ازمتظاهرین بروزه‌خواری را جلب ومجازات نماید این بود وضع ماه مبارك‌ماوکیفیت تعظیم شعایر دینی در نظر دولت.

هرچه بود امسال هم ماه مبارك باین منوال‌تمام شد. ما اکنون میخواهیم‌درپیرامون یك وظیفهٔ مهمه و فریضهٔ دیگری گفتگو نموده وبدانیم که تکلیف مسلمانان در انجام آن چیست؟!... آیا مجلس‌ودولت در این‌موضوع‌چه تصمیمی میگیرند؟!... آیا نمایندگانی که تحقیقاً یا تحمیلاکرسیهای مجلس شورای‌ملی رااشغال و تا دوسال حقاً یاغصباً تصاحب نموده اند در این مسئلهٔ دینی چه‌اقدامی میکنند؟!.. واین مشکله راکه چندین سال است لاینحل مانده چگونه حل میکنند؟!.. آن موضوع‌وآن مشکله مسئلهٔ‌حج‌است که‌یکی از فرایض واجبه ومهمه اسلام است و اکنون مدتی‌است که درگردنه های سیاست گیرکرده و هیچیك از سیاستمداران هم در فکرحل آن نبوده و نمیباشد.

ما در سرمقاله شمارهٔ۲۷سال‌دوم‌همین‌نامهٔ دینی‌تحت عنوان: «**پیشنهاداتی که اگر دولت بپذیرد وعملی نماید راه مکه بروی حجاج ایرانی باز خواهد شد..**» چند مطلبی را بدولت وقت پیشنهاد نمودیم که برای حل مشکلهٔ حج بسیار مفیدبود ولی‌درآن‌موقع ازیکسو سیاست داخلی دچارتشنج‌های‌فوق‌العاده‌بود وازسوی دیگر کشاکش های اقلیت و اکثریت مجلس چهاردهم دولت وقت‌را باهمه ضعف وناتوانی‌که داشت ضعیف‌تر وناتوان تر میساخت‌این بودکه توجهی بآن پیشنهادات نشد ومسئلهٔ حج همچنان‌در بوتهٔ اشکال لاینحل ماند ولی امروزکه در سایهٔ توجهات ملوکانه‌سیاست داخلی وخارجی کشورازهرجهت‌روشن‌شده ودولت وقت تا اندازهٔ قوی ونیرومند میباشد وعلاوه‌مجلس شورای ملی‌هم باز و در این نزدیکیها بکار آغاز خواهد نمود.. ظاهراً برای توجه باین پیشنهادات مانعی بنظر نمی رسد ـ اینك بار دیگر خلاصهٔ آنها را در این‌سرمقاله‌بنظر اولیای امور میرسانیم و امیدواریم که هرچه زودتر پیش از رسیدن موسم حج باین پیشنهاد ها بذل توجه نموده و به اجرای آنها همت‌گمارند ـ اینك خلاصهٔ‌پیشنهادها:

۱ـ دولت شاهنشاهی با مذاکره با دولت سعودی و جلب موافقت آن قبلا تأمین مالی و جانی ومذهبی حجاج ایرانی راتضمین نماید.

بقیه درصفحه ۵

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن
انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۳)

ذلك الكتاب لاريب فيه هدى للمتقين. این کتابی است که در آن شکی نیست وبرای پرهیزکاران هدایت است.

کلمه ریب را در فارسی شك معنی میکنند ولی این ترجمه صحیح نیست زیرا اولا شك کلمه عربی است وفارسی نیست ودر صورتیکه ممکن بود بمعنای شك استعمال شود بجای ریب بکار برده میشد مثلا لاشك فیه ذکر میگردید. ثانیاشك عبارتست از آنکه انسان درباره چیزی شك کند در صورتیکه ریب بمعنی آنست که شك در چیزی وجود داشته باشد

البته درباره قرآن ومطالب آن بسیار شك کرده اند و هنوزهم شك میکنند ولی در ناحیه قرآن شکی نیست بلکه کسانی که شك میکنند شك درخودشان است ومبدء آن طرز تفکرشان

بنابه مقتضیات تاریخی وزمانی درهر دوره وزمانی مردم مختلفی درباره قرآن شك کرده اند ولی بطلان آن شکها بمرور زمان معلوم گشته وگذشت روزگار ثابت کرده است که در قرآن جای شکی نیست

هنوزهم درباره قرآن شك میکنند زیرا باوجود ترقیاتی که درامور مادی مشهوداست قدم رسا و قابل توجهی در باب الهیات برداشته نشده وراجع به ماورای ماده تحقیقاتی نگشته واگر دانشمندانی هم دراین رشته پیدا شده اند چیز تازهٔ درك نکرده و کار مهمی ننموده اند ومعلومات همان معلومات قدیمی است وچون بیشتر دستورات وتعالیم قرآن راجع به ماورای ماده است هنوز شك وتردیدها ازبین نرفته ویقین تبدیل نشده فقط درباره علم هیئت که بمناسبت عظمت دستگاه آفرینش و ناچیزی بشر درمقابل آن وتنبه وبیداری بشر ازخواب غفلت وخودبینی قرآن مطالبی ذکر میکند وعلم امروز هم دراین راه قدری پیشرفت کرده شکهائی که دراین باب وجود داشته تااندازهٔ برطرف شده

مثلا درقرون اولیه اسلام هنگامی که کتب یونانی بعربی ترجمه شد وافرادی درعلم هیئت یونان مطالعاتی نمودند هریك میخواستند عقیده ای را که پذیرفته بودند باقرآن وفق داده و موضوعات را باقرآن اثبات کنند وعلمای این فن باهم مخالفتها کردند وجاروجنجالها بپانمودند ولی درعصر حاضر واضح است که ادعاهای این مدعیان صحیح نیست وشکهائی که دراین باره نسبت بقرآن شده بیجاست

افرادی هم که درعصر حاضر درعلم طب و حقوق وسایر علوم معلوماتی تحصیل کرده اند چون نمیتوانند قرآن را با معلومات خویش موافق کنند بقرآن شك میکنند بطوری که بعضی معتقدند تمام قواعد و قوانین دین اسلام را نمیتوان در عصر حاضر اجرا کرد

مثلا میگویند چگونه ممکن است در این عصر ترقی جهان دادوستد واین تشکیلات معظم اجتماعی بخصوص دردنیای اقتصاد و تجارت ربا را ممنوع ساخت؟ کافی است در جواب اینگونه افکار وعقاید گفته شود جامعه وتشکیلاتی که موافق روح تعلیمات ودستورات اسلامی آماده شود واقتصاد وتجارتی که از احکام واوامر دین اسلام پیروی کند هیچگاه بربااحتیاج نخواهد داشت زیرا جائیکه باانباشتن مال زیاد مبارزه شود و زکوة وانفاق ودستگیری ازفقرا رواج داشته باشد و بعلاوه قرض الحسنه معمول باشد بربا احتیاجی نیست وچون شما جوامع کنونی دنیا را درنظر میگیرید شك میکنید وگرنه احکام قرآن بقدری محکم وبی خلل است که کوچکترین غفلت وسهل انگاریرا نمیتوان درآن یافت

بعضی از لغات قرآن اختراعی است یعنی این کلمات قبل از نزول قرآن مستعمل نبوده یکی از این کلمات لغت متقی است

این لغت از مصدر ثلاثی مجرد الوقی که ماضی ومضارعش وقی یقی است گرفته شده وپس از بردن بباب افتعال اتقاء شده ومتقی اسم فاعل آنست

الوقی بمعنای نگهداشتن ووقایه بمعنای نگهدارنده است واتقاء بمعنای طلب نگهداری ووقایه میباشد (همچنانکه اکتساب طلب کسب کردنست)

پس متقی کسی است که طلب وقایه ونگهداری میکند و هدی للمتقین یعنی هدایت برای کسانی است که وقایه و نگاهدار دارند

همانطور که اتومبیلی علاوه بر موتور که اورا بحرکت درمیآورد وراننده ورل وچراغ که ماشین را راهنمائی میکنند ترمزی لازم دارد که اتومبیل را ازدخول به پرتگاه ها مانع شود افراد بشرهم علاوه بر ماشین تن وراننده نفس وچراغ دین و ایمان ورل عقل ترمزی لازم دارد که مانع ازورود ماشین بدن در مهالك وپرتگاههای ژرف وخطرناك شود وهمچنانکه ماشین بی ترمز نمیتواند به مقصد برسد وهرآن بیم آن میرود که نابود شود وازرسیدن به مطلوب بازماند شخص بی ترمزهم سعادتمند نخواهد شد. انسان را ترمز ووقایهٔ لازمست تا بسلامت زید و امید عافیت باشد. ترمزی باید سخت وتوانا ونیرومند که انسان رااز دخول به پرتگاههای نیستی یعنی از ارتکاب اعمال ممنوع وناشایست بازدارد وبه محض برخورد بیك پرتگاه مخوف و بیك عمل زشت ونابجا چنان بگیرد که ماشین غیور وسرکش نفس قادر بحرکت نباشد تابتوان بهدف ومقصد رسید

این است معنی متقی واین بود ره سعادت ورستگاری

درجامعهٔ که هردم و قدمش مواجه ومصادف با هزاران حق افراد میگردد باچه نیرو وقدرتی ممکن است بحق دیگران تجاوز نکرد وپا از گلیم خویش بیرون نکشید؟ غیراز ترمز و وقایه شخص متقی چه قوه ای سراغ دارید؟

الذین یومنون بالغیب ویقیمون الصلوة ومما رزقناهم ینفقون. کسانی که بغیب ایمان میآورند (وایمانشان رو بتزاید است) ونمازرا بپامیدارند (علاوه برآنکه خود نماز میخوانند

بقیه درصفحه ۱۴

قم - بقلم آقای سید حسین نبوی -۵-

بالاترین دستور سیاست و جهانداری یا فرمان مبارك مولي الموالي

متن فرمان مبارك

وهو للظالمین بالمرصاد ولیکن احب الامور الیك اوسطها فی الحق و اعمها فی العدل واجمعها لرضی الرعیة فان سخط العامة یجحف برضی الخاصة و ان سخط الخاصة یغتفر مع رضی العامة ولیس احد من الرعیة اثقل علی الوالی مونة فی الرخاء واقل معونة له فی البلاء واکره للانصاف واسئل بالالحاف واقل شکراً الاعطاء و ابطاء عذراً عند المنع و اضعف صبراً عند ملمات الدهر من اهل الخاصة و انما عمود الدین وجماع المسلمین والعدة للاعداء العامة من الامة فلیکن صغوك لهم و میلك معهم ولیکن ابعد رعیتك منك واشناهم عندك اطلبهم.

رئیس دولت بخواند!

پارسي سره

وچشم بر کردار بیدادگران است وکاری که باید از همه بیشتر دوست داری میانه روی و کرداری آراسته به دادگستری است که داد در آن به بانوا و بینوا میرسد و بخشنودی مردم نزدیکتر میگردد. زیرا ناخشنودی بینوایان خشنودی بانوایان را بی بهره گزارد و اگر بزرگان و بانوایان خرسند نباشند با دلخوشی توده و مردم گرفتار زیان نشود زیرا اگر بینوایان که بیشتر مردم هستند از تو خرسند نشوند ناخرسندی چند تن از بانوایان زیانی نیاورد و در برابر خرسندی بانوایان که نفرات انگشت شماری بیش نیستند جلو برخاستن گروه بزرك بینوایان یارای بردباری نتوان کرد. رنج بانوایان بسیار وکار این مردم دشوار چو فرماندار در آسایش باشد باری گرانتر از بار خواهش های پیاپی بانوایان ندارد و در گرفتاری کسی که کمتر یاری فرماندار کند بانوایانند که همیشه از دادگری بیزار و برخواهش ها می افزایند. در برابر پیش آمدها نیروی بردباری اینان سست وپایه های شکیبائیشان نادرست است. وبینوایان پایه آئین وگروه گروندگانند. سرمایه نابود ساختن دشمنند سپر تیر وشمشیر گرفتاریهایند باندك مهربانی خشنود وبکوچکترین نوازشی آماده جانفشانند پس باید با اینان دوستی ومهربانی کنی وکسیکه در پی گناه مردم افتد و تو را آگاه کند زیانکار است.

غم و شادی بهم آمیخته یعنی چه؟

بقیه از صفحه ۱۳

خودداری کردند لهذا آن مبلغ بزرگوار که میخواست از کتاب خود نتیجه‌ها بگیرد گفت شما گمان میکنید من بمیرزا حسینعلی ایمان دارم؟ آنگاه بوسط مجلس آمده ریحهای عاصفه خود را حواله بشخص نامبرده کرده گفت حالا مطمئن شدید؟ اگر نشدید بازهم براههای دیگر خود را تبرئه کنم رفقا که چنین دیدند مفصلا قسمتی از حاجات اورا برآورده بخشی از حوادث تاریخی را باو دادند وقتی این را شنیدم خندیدم و گفتم قیمت کتاب ظهور الحق وفضیلت آن فاضلی که آنرا تالیف کرده معلوم شد مستخرجی که بااخراج ریح مواد کتابی را از شخص ازلی بدست آورد بهایش معلوم است (ناتمام)

اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن

بقیه از صفحه ۱۱

دیگرانرا به نماز خواندن وامیدارند) وازآنچه برایشان روزی داده‌ایم انفاق میکنند

بطور کلی افراد بشر کم یازیاد به مال دنیا علاقه دارند زیرا بوسیله مال مقاصد وخواهشهای نفسانی انجام می‌یابد و اگر کسی حاضر شود مال خودرا انفاق کند حاضر شده است انتفاع از لذت خودرا بدیگری ببخشد وواضح است که بآسانی نمیتوان از آسایش وتنعم چشم پوشید

والذین یومنون بما انزل الیك وما انزل من قبلك وبالاخرة هم یوقنون. وکسانی که بآنچه بتو نازل شده وبآنچه قبل از تو فرستاده گشته ایمان میآورند وروز جزا را یقین میکنند

پس دین اسلام وسیله تعقیب نیست بلکه باید بآنچه حق است ایمان آورد

اولئك علی هدی من ربهم واولئك هم المفلحون ایشان از پروردگار خود هدایت یافته ورستگارند

اینان کسانیند که در تلاطم امواج خروشان و غرقاب موحش زندگی هدایت یافته وساحل نجات را پیدا نموده‌اند

بایکهزار ☆((۱۰۰۰))☆ ریال

میتوانید یك سهم از سهام شرکت سهامي مطبوعات اسلامي داشته باشید

وازمنافع مادی ومعنوی آن بهره مند گردید

آموزش اسلام

سال چهارم
شماره ۱۶
« مسلسل ۱۷۱
جمعه ۳۰ مرداد
۱۳۶۶
۵ شوال ۱۳۶۶

(فهرست مندرجات)

مطالب	بقلم	صفحه
ازحرف بسوی عمل پیش روید	مدیر مجله	۲-۷
خرد چیست؟ خردمند کیست	آقای حاج سراج انصاری	۳
بالاترین دستور سیاست	آقای سیدحسین نبوی	٤
درپیرامون مضرات الکل	آقای ضیائی	٤
خانواده کانون محبت	آقای محمدتقی فکر	٥
یکصد وده حکایت	آقای آیتی	٦ - ۱۸
ازتهران تا نور	یکی ازعلمای تهران	۷
پایه‌های ننگ کشور	آقای احمد مهینی	۸
قابل توجه وزارت فرهنگ	آقای عبدالرحیم رحمانی	۹
تلگرافات‌وارده		۱۰-۱٤
نامه‌های وارده		۱۰-۱٤
روزه داری	آقای دکتر اعلائی	۱۲
صفات بارزه بانوان	آقای نیکو	۱۵
آزادی درنظر اسلام	آقای استقامتی	۱۳
بهداشت دهان ودندان	آقای دکترسیاسی	۱٦
تفسیر قرآن	آقای طالقانی	۱۷
مسابقه مذهبی	آقای حاج ابوالقاسم نور	۱۹
اخبار داخله وخارجه		۲۰

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۴)

«ان الذین کفروا سواء علیهم ءانذرتهم ام لم تنذرهم لا یومنون» کافرانرا چه بترسانی چه نترسانی برایشان برابراست ایمان نمیآورند.

کفر درلغت بمعنی حجاب است و کافر بمعنی محجوب و درقرآن مجید بهمین معنی بکاررفته نه بآن معنی که امروزدر بین ما مصطلح است زیرا حقیقت کفر وایمان امری باطنی است وروزجزا ایمان و کفرهر کس معلوم میشود ومادردنیانمیتوانیم بکسی نسبت کفر بدهیم

ختم الله علی قلوبهم وعلی سمعهم وعلی ابصارهم غشاوة ولهم عذاب عظیم.

خدا بردلها و گوشهایشان مهرنهاده و بر دیدگانشان پردهٔ کشیده وآنانرا عذاب بزرگی است

منظور از قلب دلی که در طرف چپ سینه قرار دارد نیست بلکه تشبیهی بدانست.

دانشمندان میگویند نخستین چیزی که در رحم مرئی میگردد شیئی قرمزی است که همان قلب نطفه است واز همان لحظه نخست دارای حرکت وضربانست بعداکم کم سایر اعضاء کامل میگردد وتازمان مرگ درفعالیت و کاراست

نکته دیگری را باید درنظرداشت وآن اینکه قلب قبل از مغزمتاثر میشود مثلاانسان درموقع دفاع قبل از اینکه فکر و اندیشه کند تصمیم میگیرد. یادرموقع خشم قبل ازاینکه فکر عاقبت ونتیجه کاررا بنماید دست بعمل میزند درصورتیکه انجام آن عمل ازطرف مغز دستور داده نشده

پس میتوان نتیجه گرفت که قلب اصلی ترین عضو بدنست که برفکر واندیشه یعنی مغز مقدم است وروح انسان هم که جوهری مجرد وحقیقتی پاکست دارای قلبی حساس است به این موضوع باید توجه داشت که هر عملی در انسان اثری از خود باقی میگذارد که هرچه بیشتر تکرار گردد اثرش شدیدتراست مثلا کسی که نوشتن نداند نمیتواند دراول کار دستش رابخوبی تابع فکر واراده اش کند تامقصودخویش را برشته تحریر کشد وبرای اینکه بخواهد تندوخوب بنویسد ناچاراست مدتی تمرین کند وبنویسد تادستش درنوشتن روان شود یعنی پس ازمدتی تمرین حالتی تولید میگردد که درصورت تکرار عادت او میشود ودرصورتیکه زیادتر تکرار گردد ملکه میشود وهنگامی که ملکه گشت یعنی مالک شد محو ونابود نمیگردد

بردل کسانی که کفر درآنها بقدری فزونی یافته که از حالت عمل وعادت گذشته وملکه گشته یعنی روحشانرا تسخیر کرده ومالک آن شده یابعبارت دیگر کسانی که نخست لکه سیاهی در دل داشتند وکم کم سراسر قلبشانرا فرا گرفته وبرتمام روحشان استیلایافته خدا مهرزده است زیرانامه دلشان از کفر سیاه گشته ودیگرجای ایمانی باقی نمانده که روزنه امیدی به سعادت بگشاید وچون انسان بیشتر معلومات وبطورکلی علم را ازراه گوش وچشم تحصیل میکند مثلا گوش سخنان استاد را میشنود وچشم کتب مختلفه را مطالعه میکند یابعبارت دیگر چون مجرای علم ودانش چشم و گوش است برقلب و گوششان مهرخورده وبردیدگانشان پرده کشیده شده که ازدرک حقایق محرومند وبعلت محرومیت ازنور ایمان ویافتن منظورخلقت وسیاهی قلب و کری گوش ونابینائی دیده دچار عذابی بزرگ وشکنجهٔ بس دردناکند. اینست نتیجه کفر واین بود ثمره بی ایمانی از کوری و کری وسیاه دلی چه عذاب بزرگتری سراغ دارید؟

ومن الناس من یقول آمنا بالله وبالیوم الاخر وماهم بمؤمنین

وگروهی از مردم میگویند بخدا وروز جزا ایمان آوردیم ولی ایمان نیاورده اند

یخادعون الله والذین آمنوا وما یخدعون الا انفسهم ومایشعرون

خدا ومومنین را فریب میدهند ولی بجز خودشان کسی را نمیفریبند وشعور ندارند

فی قلوبهم مرض فزادهم الله مرضا ولهم عذاب الیم بما کانو یکذبون

بایکهزار ✫((۱۰۰۰))✫ ریال

میتوانید یك سهم از سهام شرکت سهامی مطبوعات اسلامی داشته باشید

وازمنافع مادی ومعنوی آن بهره مند گردید

صفات بارزه بانوان

بقیه از صفحه ۱۵

است وآن شاهد گلرنك که درگلخن شوم پرننك بتنك آمده واز پروردگار خود میطلبد که اورا نجات دهد وبا این که هزاران دلباخته دارد باطنا ازآن کارآزرده و ناراضی است وانتظار میکشد چنین دست پاکی بجانب او درازشود تااورا ازآن ورطه هولناك نجات دهد.

پس اگر کسی محض رضای باریتعالی وتشکیل زندگانی دنیا اقدام بچنین عملی نماید وبیچاره درماندهٔ را از نکبت و معصیت نجات دهد و بسر منزل سعادت برساند و ضمنا خاطر خودرا بهمسری چنان دلبری طناز وشاهدی غماز خوش بدارد علاوه ازآنکه چنین عملی واقدامی درشرع ممنوع نیست ممکن است عملی مبروروسعی مشکور باشد. **انما الاعمال بالنیات والله یغفر التائبین والتائبات**

ح. نیکو

آئین اسلام

سال چهارم
شماره ۱۷
« مسلسل ۱۷۲
جمعه ٦ شهریور ۱۳۲٦
۱۲ شوال ۱۳٦٦



گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۵)

دردلهاشان مرض است وخدا آنرا قوت داده و ایشانرا بسبب دروغشان عذاب دردناکست

خدا آفریدگاروسرپرست تمام موجودات است وباوسائلی که در اختیارهریك میباشد آنهارا کمك مینماید

مثلاهم بانسان حیات دادهٔ وهم بیك میکرب. ماميگوئیم این حیوانات پست برای چه آفریده شده آنان میگویند این انسان بیشعور کیست. هردو زندگی میکنیم و خدا بهریك روزی ووسیله دفاع وبقا عطا کرده. منتهی هر موجود باید با وسیلهٔ که دراختیار دارد ضرر دیگرانرا دفع نماید وصحت و سلامت خودرا حفظ کند ونگذارد میکربی دربدنش واردشود وواضحست هنگامیکه یك میکرب ازضعف وسستی کسی استفاده نموده وارد بدنش شود زندگانی خواهد نمود زیراخداوسایل حیات باوداده پس یزدان رحمن بمرض آنشخص افزوده است.

اینست که خداوند مرض قلب وروحشانرا تقویت میکند وآنان بسبب خدعه‌ای که زده وچاهی که برای خویش کنده‌اند دچار عذاب الیم میگردند. زیرا خداوند همانطور که برای برقراری صحت بدن آلت دفاع طبیعی بانسان داده برای جلوگیری ازآلودگی روح بامراض روحی آلت تشریعی پیش بینی کرده وپیمبران و کتبی فرستاده تاافراد بشرآنرا اسلحه سازند ودر جنك بادشمنان معنوی واخلاقی بکاربرند واگر کسی ازاین آلات دفاعی استفاده ننمایدضعیف ومقهور دشمنان شده بشکنجه وعذاب طاقت فرسا مبتلی میگردد.

و اذاقیل لهم لاتفسدوا فی الارض قالوا انما نحن مصلحون.

وچون بایشان گفته شود درزمین فساد نکنید میگویند ما مصلحیم

الاانهم هم المفسدون ولکن لایشعرون.

آگاه باشید ایشان خودشان مفسدند ولی شعور ندارند شعور بمعنی ادراك دقیق است

و اذا قیل لهم آمنوا کما امن الناس قالوا انؤمن کما امن السفهآء الا انهم هم السفهاء ولکن لایعلمون

وچون بایشان گفته شود ایمان آورید همچنانکه دیگران ایمان آوردند گویند آیاهمچنانکه سفیهان ایمان آوردند ایمان آوریم ؟آگاه باشید خودشان سفیهند ولیکن نمیدانند

این قبیل افراد که مثل پرهیزکاران ومومنین حقیقی ایمان نیاورده‌اند ومانند کافران وبیخبران ازپرتو نورایمان کاملا بی بهره نشده‌اند دیگرانرا سفیه وخود را دانا میدانند زیرا باهردسته‌ای ساخته وباهر گروهی شناخته یا نشناخته دست دوستی میدهنداما نه بقصدصدق ووفا

بخیال خود مومنین را که تنها دل برضای حق داده‌اند و مثل این سست عنصران تزویر و ریانمی نمایند نادان میشمارند اما افسوس ! خودشان سفیهند که ازدرك ثمرات ایمان محرومند ولی نمیدانند که نمیدانند

واذالقوا الذین آمنوا قالوا آمنا واذا خلوا الی شیاطینهم قالوا انا معکم انما نحن مستهزؤن

و چون بمومنین برسند گویند ایمان آوردیم و اگر با شیطانهای خود خلوت کنند گویندما با شمائیم تنها استهزا کننده ایم.

الله یستهزی بهم ویمدهم فی طغیانهم یعمهون خداوند آنانرا استهزاء میکنید ودرسرکشی و طغیان وامیگذارد تا حیران باشند.

این افراد بمومنین اظهارعلاقه وایمان میکنند تازندگی مادیشان ازجانب آنان بخطر نیفتد وخاطرشان از این طرف آسوده باشد پس بخیال خود با این عمل خدا و رسولرامسخره میکنند اما بیخبرند که خود مسخره گشته و ازمطالعه حقایق وجودبی بهره شده‌اندوخداهم عنان اختیارشانرا برای چندروزی رها کرده شاید روزی سرشان بسنك بخورد وبخویش آیند

اولئك الذین اشتروا الضلالة بالهدی فما ربحت تجارتهم و ما کانوا مهتدین

همین ها هستند که گمراهی را بعوض هدایت خریدند پس این تجارتشان سودی نکرد و بهیچ حقیقتی راه نیافتند

این گروه منافق با اینکه خودرا مصلح معرفی مینمایند و دیگرانرا نادان میخوانندهدایت رارها کرده و ازراه راست قدم بکناری گذارده باآغوش باز گمراهی را پذیرفتند ودراین دادوستد سودی نبردند بلکه پرده ای جلوچشم خود کشیدند تا بحقیقتی راه نیابند وهرچه بیشتر قدم بردارند از سر منزل سعادت دورتر وببخبر ترند

در این چندآیه بعد قرآن حال منافقانرا در دوپرده مجسم مینماید

مثلهم کمثل الذی استوقد ناراً فلما اضآءت ماحوله ذهب الله بنورهم و ترکهم فی ظلمات لا یبصرون صم بکم عمی فهم لایرجعون

مثل این دسته از مردم چون کسی است که بزحمت زیاد آتشی بر افروزد وهمینکه آن آتش باطراف خود پرتومی افکند خداوند نور آنرا برگیرد وببرد وآنهارا در تاریکی هائی واگذارد تا چیزی نبینند کرند گنگند کورند پس از تیره بختی بازگشت نمیکنند

این دسته از مردم در بیابان تاریکی قرار دارند که حتی ستاره کم نوری هم بر آنان نور افشانی نمیکند و چون خس وخاشاك گرفتار طوفانهای شهوات گوناگونند ودر برابراین بادهای مخالف هرزمان پرتگاهی وهردم چاهی آنانراتهدید میکند وچون رابطه خودرا توسط قران ووحی با منبع انوار بر قرار نکرده اند تا پیاپی از آن نور ثابت بهره برگیرند وپستی وبلندیهای زندگانی را بنگرند به ناچار پندارهائی از حق وباطل چون هیمه از هرطرف گرد آورده آنرا مسلك

بقیه در صفحهٔ ۱۷

اقتباس از درس تفسیر قرآن

بقیه از صفحه ۱۶

مرام ومذهب نامیده اند و همینکه میخواهند بان دلگرم شده و با نور ضعیف آن راهی درپیش گیرند طوفانهائی ازشهوات داخلی وحوادث خارجی چون اسب اجل میتازد وآنان را بحال کری و کنگی و کوری میاندازدخلاصه پس از این همه زحمت ومشقت حاصل سعی و کوشش خود را برباد رفته می بینندنه نوری برای پیشرفت و نه راهی برای بـاز گشت می یابند

او کصیب من السماء فیه ظلمات ورعد و برق یجعلون اصابعهم فی آذانهم مـن الصواعق حـذر الموت والله محیط با لکافرین

یا مانند کسانی که دچار ریزش سهمگین پیاپی ازآسمان شده اند که در آن تاریکیها است ، غرش رعد است ، جهش برق است آن درماندگان انگشتان خود را از ترس مرگ در گوش میگذارند با اینکه خدارند بر کافران احاطه دارد

مقصود ازانگشت در گوش گذاردن فراهم کردن موجبات غفلت ومخدرات حس وشعور است زیرا مردمی که ایمان ببقاء ابد وسعادت بی حد ندارند و بوظایف و روابط خـود روشن نیستند اما هنوز بحد کفر تمام نرسیده اند فطرت ووجدانشان همیشه میخواهد آنانرا ازخواب گران بیدار سازد وبخطرها متوجه کندولی این افراد همواره میکوشند تا بوسیله مخدرات وسرگرمیهای جنونی چون شراب و رقص وقمـار آن نـور ضعیف را خاموش وآن فطرت را از جنبش بیندازند ناوجدان آزارشان نرساند

این افراد درمقابل این همه حوادث باین اکتفا میکنند که خود را غافل وبیخبر سازند تا جام شربت مرگ حقیقـی و شقاوت ابدی را بسر کشند وکسی مزاحمشان نباشد

یکادالبرق یخطف ابصارهم کلما اضاء لهم مشوا فیـه و اذا اظلم علیهم قاموا و لو شاء الله لذهب بسمعهم وابصارهم ان الله علی کل شیی قدیر

نزدیك است برق چشمشانرا برباید هرزمانی که روشنی دهد درآن روشنی میروند وچون تاریك کند می ایستندو اگر خدامیخواست قوه شنوائی و بینائشانرا میگرفت البته خداونـد بر هر چیز تواناست .

این دسته از مردم در مقابل حوادث بیحس و حرکت ایستاده اند و جنبشی نمیکنند تنها منتظر اینند که برقی بجهد تا گامی بردارند .

عدل و احسان

بقیه از صفحه ۱۵

یك از این خوراك های مهنا و نعمت های مهیادست رسی ندارد ودر آرزوی یکدانه از آن میوه ها هستنداین فحشائی است که رب العزه ازآن نهی فرموده چه درجای دیگر فرموده کلوا واشربوا ولاتسرفوا یعنی بخورید وبیاشامید ولی اسراف نکنید معنی عدم اسراف آنست که تمام میوه های رنگین را در سر سفره خود قرار ندهید که زیاده از خوراك ومصرف شما است ودر آخر روز وآخر شب پس از آنکه خودتـان همه خوردید باز زیـاده آمده وتلف میشوند و بـالاخره آن زیادتی های ضایع شده را دور میریزید وحال آنکه دیگران در آرزوی همان میوه های گندیده بسر میبرند پس چـون متنعمین اسراف نکنید و قدری اقتصاد را مراعات نمائید مثلا ده دانه گلابی مصرف خوراك اوهست اگردوصندوق گلابی رانخرد ونبرد بالضروره در دسترس دیگـران میماند وبیچارگان از آن بهره مند میشوند

حاصل معنی آنست که عدل و احسان وایتاء ذی القربی که مرضی حق و ماموربه انسان است میباید بهمین دستورات الهیه انجام گیرد واگر پای عجب وبخل وریا در میان آمدو دست دیو نفس و هوا داخل شد فحشا و منکر و بغی میگردد واعاذنا الله من ذلك

در خاتمه از علماومفسرین ودانشمندان انتظاردارم اگر انتقادی باین مقاله و این تفسیر کـه شده داشته باشند برای ارشاد اینجانب وخدمت بدین مبین مرقوم ومرا ممنون نمایند

دوست دیرینم جناب آقای نیکو

بقیه از صفحه ۴

کمال فصاحت وحکمت است وفرازهای توحیدیه آن درنهایت متانت وقوت است با خزعبلات بـاب و بهاء همترازو نمیشود وترهات باب و بها دربرابر فرمایشات ائمه هدی علیهم السلام مفاد این شعر است

سحر با معجزه پهلو نزند لخوشدار
سامری کیست که گوی ازیدوبیضابببرد

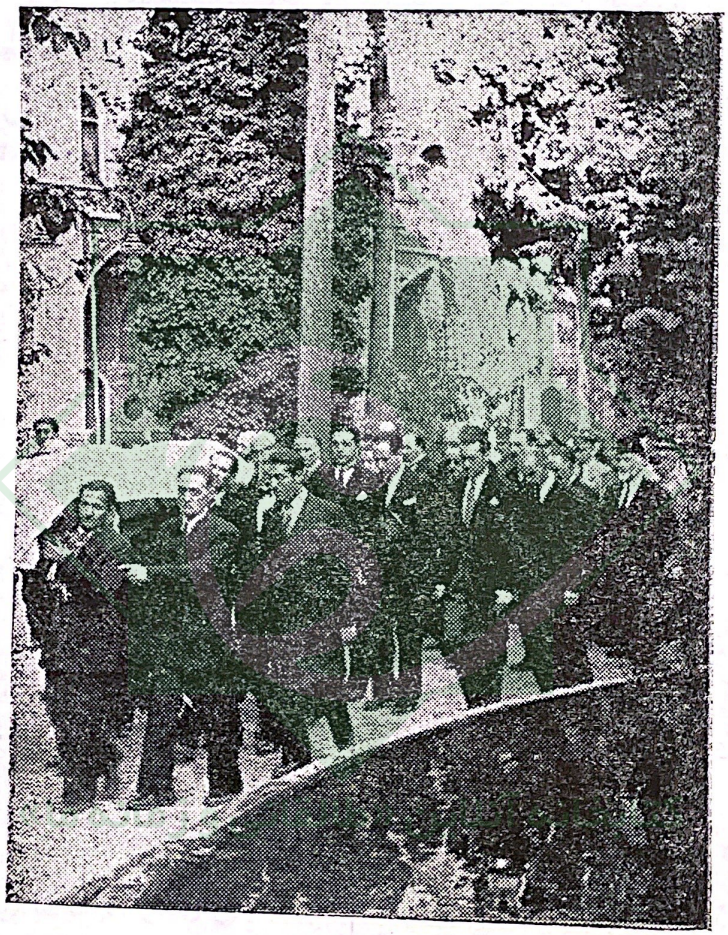
باری حاشیه رفتم وپوزش خواسته به متن باز میگردم وعرض میکنم زهی سعادت شما اگرموفق شوید که تمام صحیفه را ترجمهٔ نموده این امر مبرور را باتمام بـرسانید وکتابی مخصوص در دسترس برادران اسلامی بگذارید و از تمجید دوست و تنقید دشمن هردو دست ودل بردارید وجز رضـای الهی منظوری درنظر نگیرید(بد را بید گـذار و عدو را بذوالفقار) درپایان اجازه میخواهم که عرایضم را بیك قطعهٔ مزدوجی که هم اکنون میسرایم خاتمه دهم

(مزدوج)

حکیم گفت ندانم برد حسود چه سود
که گفته اند بزرگان که لایسود حسود
ز کبر بگذر وبگزار سر بسجدهٔ حق
که بی گمان بنهفته است درسجود سه جود
غنا وعزت ورحمت وزین سه خویش بگو
که بی نیاز براین گنبد کبود که بود
درود بر تو رسد از صوامع ملکوت
خوش آنکه خوشه نیکو ازاین درود درود
زهی که بندگی کردگار کرد بصدق
بدا که بندگی کذب وانمود نمـود
کشید آیتی از آتـش الیم گلیـم
گهی که آینهٔ قلب خود زدود زدود

آیتی

آئین اسلام



سال ۲
شماره ۱۸
مسلسل ۱۷۳
جمعه ۳ شهریور
۱۳۲۶
۱۹ شوال ۶۶

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۶)

ندای عام قرآن

یاایهاالناس اعبدوا ربکم الذی خلقکم والذین من قبلکم لعلکم تتقون. هان ای مردم غافل پروردگاری را پرستش کنید که شما و پیشینیان شما را آفریده است باشد که اهل تقوی شوید.

یا حرف ندا برای دور و نزدیك وای حرف ندای متوسط و ها، های تنبیه است و ناس از نسیان گرفته شده

گوئی قرآن چون مردم را در خواب غفلت مشاهده مینماید از دور فریاد میزند تانزدیك برسد وبگوید ازخواب غفلت برخیزید وچون تنها متقیان رستگارند میفرماید خدا را بپرستید شاید متقی شوید

ای فرزندان آدم، ای کسانیکه درخواب غفلت غوطه‌ورید ای آنانکه بروظایف خودخط نسیان میکشید وفطرت پاك و بیگناه خویش را بند فراموشی مینهید بیدار شوید. دست از بت‌پرستی بکشید، فطرت خداجوئی خودرا آزاد گذارید، آنکسی را پرستش کنید که شما و پیشینیانتانرا آفرید تا امید پرهیزگاری باشد

الذی جعل لکم الارض فراشا والسماء بناء وانزل من السماء ماء فاخرج به من الثمرات رزقا لکم فلا تجعلوالله اندادا وانتم تعلمون. آنخداوندیکه زمین را برای شما رام و گسترده کرده وآسمانرا بناء واساس تشکیلات وساختمان عالم نمود ازآسمان باران فرستاد وزمین را رویاند ومیوه‌هائی جهت روزی شما پروراند پس شریکی برای خدا نگیرید با اینکه میدانید کسی شریکش نیست

شما ای افراد بشر همه‌دریك مهمانخانه زندگی میکنید ودریك معبد بسر میبرید میزبان ومعبود خودرا بشناسید خدائی که زمینرا خوان عام کرد و نباتات وحیوانات را در این میهمانی دردسترس شما قرارداد شریکی ندارد شماهم میدانید پس همکاری برای اونگیرید

وان کنتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنافاتوا بسورة من مثله وادعوا شهدائکم من دون الله ان کنتم صادقین

واگردرباره آنچه بربنده خود فرستاده‌ایم مشکوکید سوره‌ای مثل آن بیاورید وگواهان خودرا غیرازخدا بخوانید اگرراست اندیش وراستگوئید

این آیه هم نبوت را اثبات میکند وهم معجزه‌ای است ازقرآن زیرااولا درعصر پیغمبر نابغه‌هاوشعرا وخطبای بزرگی زیست مینمودند وآثار گویندگان پیشین هم باقی بود معهذا نه سخنی ازپیشینیان ونه گفتاری ازمعاصرین آن دوره دعوت قرآنرا اجابت کرد نه کسانی که پس ازپیغمبر اسلام در بلاغت وسخنوری دست داشتند توانستند چنین ادعائی بکنند

ناگفته نماند که بسیاری ازافراد وجمعیتها درمقام معارضه باقرآن برخاستند ولی کاری ازپیش نبردند ونتوانستند ابری شوند که خورشید اسلام رابپوشند

ثانیا کسی میتواند چنین ادعائی کند یعنی بگوید احدی نمیتواند سوره‌ای مثل آن قرآن بیاورد که محیط برتمام اوضاع واحوال، فنون وترقیات آینده دنیا باشد ومعلوم است که افراد بشر بدین پایه آگاهی نخواهند رسید که بتوانند چنین ادعائی کنند وهرروز که برعمربشر بگذرد براستحکام آن در نظر مردم افزوده تر شود یعنی تعجب و حیرت بیشتر گردد

فان لم تفعلوا ولن تفعلوافاتقوا النارالتی وقودها الناس والحجارة اعدت للکافرین. پس اگر نکردیدوهرگزهم نخواهید توانست ازآتشی که گیرانه‌اش انسان ونوعی سنك قیمتی است وبرای کافران مهیاشده بپرهیزید

وقود بمعنی گیرانه آتش وحجارة بمعنی نوعی سنگ قیمتی است

مال ومنال وقدرت وثروت که نمونه کامل آنها پول است وسیله اجرای شهوات نفسانی است وحجارة را مجازاً میتوان بپول تفسیر کرد زیرا سنگ قیمتی دارای ارزش وبهائی است که با آن میتوان بمشتهیات نفسانی رسید.

هرگاه کسی درراه زندگی ازحد اعتدال خارج شود مثلا زیاده دنبال مال رود وپول را بانظری مستقل بنگرد و همه‌چیزرا برای ثروت بخواهد از همه چیز محروم است، در آتش حرص و ولع میسوزد ومیسازد از اینرو جهنم ازهمین دنیا شروع میشود وزبانه آتش از داخله افراد شعله‌ور میگردد

بقیه از صفحه ۴

بزرگان مسئولین جامعه مسلمانان

ای ایرانیان. مسلمین چین یك هشتم جمعیت چین است. قانون چین آزادی تمام ادیانرا قید کرده است .. ولی ایران ما اکثریت ملیتش مسلمان است. شیعه علی علیه السلام است شیعهٔ آن یگانه مرد غیور. آن کانون شهامت وشجاعت. آن مجسمه علم و تقوی می‌باشند. در قانون اساسی آن مذهب رسمی مذهب حقه جعفری اثنی عشری است. پس با این قوا چرا نمیتوانیم جلواین نشریه‌هائیکه مخرب وبنیان کن دین ودیانت واسلامیت و ایرانیت است بگیریم.؟

پس چرا نمیتوانیم اصل اولیه قانون اساسی خود را اجرا نمائیم. پس چرا اقلا دادخواهی نمیکنیم؟

اینها همه ناشی از بی‌حسی و سرد بودن ماست که آنهم مولود اختلاف ونفاق ونزاع خانگی ماست. اینست مرض وداروی قطعی آن جز اتحاد نمی باشد والسلام علی من اتبع الهدی

تلفون ۸۹۱۹ چاپخانه
شرکت سهامی مطبوعات اسلامی

آئین اسلام

سال چهارم
شماره ۱۹
« مسلسل ۱۷۴
جمعه ۲۰ شهریور ۱۳۲۶
۲۶ شوال ۱۳۶۶

(فهرست مندرجات)

عنوان	بقلم	صفحه
ایادی ناپاکی ...	آقای نوریانی	۲-۱۴
خرد چیست	آقای حاج سراج انصاری	۲
قرآن واهل عدوان	آقای نیکو	۴-۱۸
از تهران تانور	یکی از علمای تهران	۵
یکصد وده حکایت	آقای آیتی	۶
پاسخ دوم	آقای ساجدی	۷-۱۵
اسلام یا قانون خوشبختی	آقای محمدی اردهالی	۸
روزه داری	آقای دکتر اعلائی	۹
نامه‌های وارده		۱۰
تلگرافات وارده		۱۱
مسلمان یا مسلمان نما	آقای عقیقی	۱۲
بهداشت دندان	آقای دکتر سیاسی	۱۳
بالاترین راه نجات	آقای احمد شهباز	۱۴
آخرین دستور سیاست	آقای سید حسین نبوی	۱۵
دراجرای تعلیمات اجباری	آقای اهرمی زاده	۱۵
اقتباس از درس قرآن	آقای طالقانی	۱۶
هرچه حقیقت است ...	آقای علیرضا فیض	۱۷
تلگراف آیت‌الله فیض به نخست وزیر		۱۸
خبرهای مجلس		۱۹
یك نفر مسلمان در شورای امنیت		
خبرهای کشور و جهان		۲۰

کتابخانه آنلاین «طالقانی و زمانه ما»

گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۷)

ندای عام قرآن

وبشر الذین آمنوا وعملوا الصالحات ان لهم جنات تجری من تحتها الانهار کلما رزقوا منها من ثمرة رزقا قالوا هذا الذی رزقنا من قبل و اتوا به متشابها ولهم فیها ازواج مطهرة وهم فیها خالدون

و کسانیرا که ایمان آوردند وعمل شایسته نمودند بشارت ده زیرا برای آنان بوستانهائی است که از پای آنها نهرهائی جاری است هرزمان که ازمیوه آن بوستان‌ها روزی داده شوند گویند این همانست که قبلا روزی ماشد وهمچنین متشابه آنرا یافته‌اند و آنان را دربهشت همسرانی پاکست و این افراد در بهشت جاویدانند

کلمه بشارت ازبشره (ظاهر پوست) گرفته شده زیرا فرح و شادی یا تاثر وغمگینی انسان ازصورت نمایانست.

بشارت خبری بی‌سابقه است وچون قرآن ازسعادت حقیقی خبر میدهد بااین کلمه شروع بسخن کرده.

لغت ایمان مثل کلمه متقی ازهمان لغاتی است که مخصوص بقرآن است زیرا در اشعار نویسندگان وخطابه‌های خطیبان قبل از اسلام استعمال نشده واگر هم بکار رفته باشد باین معنی که درقرآن است مورد استفاده قرار نگرفته است

ایمان ماخوذ ازلغت امن وامنیت است که بباب افعال آمده ولفظ ومعنی هردو تغییر نموده

ایمان یعنی خودرا بامنیت رسانیدن. پس نمیتوان ایمان را بمعنی علم واعتقاد دانست

البته همان طور که درافواه مردم معنای بسیاری ازلغات تغییر کرده کلمه ایمان مخصوصا مؤمن درنظر مردم قدروقیمت خودرا ازدست داده است

پس لغت ایمان نه بدین معناست که مردم تصور میکنند ونه بمعنای علم واعتقاد میباشد زیراتنها ازعلم وعقیده داشتن بموضوعی ایمان حاصل نمیشود بلکه ایمان بمعنای حرکت کردن بسوی موضوعی است که برای آن علم و اعتقاد حاصل شده باشد.

همواره انسان میخواهد خودرا بامن وپناهی نزدیک کند تادرنتیجه ازسعادت برخوردار شود

البته تشخیص این پناه ومرجع درافراد فرق میکند ولی آنچه مسلما مرجع وپناه است ماده نیست زیرا ماده را بقانیست. آدمی بایددرراه رسیدن بچیزی تلاش کند که حق وثابت است و ایمان بمعنای حرکت بسوی ثابتات عالم وسعی و کوشش برای هم سنخ شدن باحق میباشد

اینست که قرآن دراول این سوره میفرماید کسانی که به غیب ایمان میاورند یعنی خودرا بحقایق وثابتات عالم نزدیک میکنند سعادتمند ورستگارند

باید عاشق آن بود که هرزمان رنگی بخود نگیرد وجویای آن شد که بباد فنا نرود. یعنی باید بخدا و کتب آسمانی وروز جزا و دیگر ثابتات عالم ایمان آورد وخودرا بسرحد امنیت نزدیک ساخت زیرا جز حقایق وثابتات عالم مامنی نیست

کوته فکری تواند چیزهای موقت را پناه پندارد، کور دلی شاید برنگهای ظاهر ازحقایق عالم بی‌خبر ماند، خردهمتی تواند ازحقایق فناناپذیر دست کشیده به‌لذایذ موقت بی‌دوام و درعین حال بسیار کوچك قناعت کند. شخص عاقل و دوراندیش خودرا بازیچه این امور پست نمیسازد وازبرخورداری نعیم جاودانی چشم نمیپوشد

وبشر الذین آمنوا وعملوا الصالحات. و کسانیرا که ایمان آوردند وعمل صالح نمودند بشارت ده

عمل صالح بحسب زمان ومکان قابل تغییراست از اینرو قرآن ایمانرا که درهردوره وهرمکان ثابت و بی‌تغییراست نام میبرد وعمل صالح را معرفی نمینماید که چگونه عملی است و این موضوع نکته ای است دلیل بردین زنده که عمل صالح را محدود باعمالی چند نمیکند

ان لهم جنات تجری من تحتها الانهار. زیرا برای آنان بوستانهائیست که ازپای آنها نهرهائی جاریست

عمل خوب آن زمان ثمرش باقی میماند که درسایهٔ ایمان انجام یابد یابعبارت دیگر آب زلال ایمان آنرا آبیاری کند

اگر کسی روی اصل عاطفه انسانی احسانی کند البته ثمر دارد ولی ثمرش باقی نیست. عمل صالح باید درپرتو نورایمان تشخیص داده شود سپس آب زلال وصاف ایمان آن را آبیاری کند وقصدقربت درعبادات دینی گواهی برای این مدعاست. این ثمره ونتیجه دین است که روح ایمان را تقویت میکند تادرپرتو آن عمل شایسته انجام گیردوثمرش بقا یابد

(ششمین سال روزنامه پارس)

در شیراز

روزنامه پارس با انتشار شماره ۶۳۶ وارد ششمین سال خدمتگزاری مطبوعاتی خود شده است ما این موفقیت را بهمکار محترم آقای فضل‌الله شرقی صاحب امتیاز و مدیر مسئول وسردبیر روزنامه پارس تبریك گفته وامیدواریم که درآینده یکی دو ستون از روزنامه را به ترویج دین مقدس اسلام و دعوت مردم بسوی اخلاق اختصاص داده و بدینوسیله بمزایای معنوی آن بیفزاید.

تلفون ۸۹۱۹ چاپخانه

شرکت سهامی مطبوعات اسلامی

آیین اسلام

سال ٤
شماره ۲۰
«مسلسل ۱۷۵
جمعه ۲۷
شهریور ۳۲٦
۳ ذیقعده
۱۳٦٦



گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۸)

ندای عام قرآن

ان الله لا یستحیی ان یضرب مثلا ما بعوضة فما فوقها فاما الذین آمنوا فیعلمون انه الحق من ربهم واما الذین کفروا فیقولون ماذا اراد الله بهذا مثلا یضل به کثیرا ویهدی به کثیرا وما یضل به الا الفاسقین .

خداوند باك ندارد به پشه‌ای یا بالاتر از آن مثل بزند اما آنانکه ایمان آورده‌اند میدانند که آن مثل حقیقت وواقعیتی دارد وبرای تربیت است وآنانکه کافرند میگویند مقصود خدا از این مثل چیست . با این مثال عده زیادی را گمراه ودسته بیشماری راهدایت میکند ولی جز فاسقین گمراه نمیشوند .

باید دانست در تمام علوم مطالبی بنام مقدمه خوانده میشود مثلا هر کتاب دارای مقدمه ایست

مقدمه مطلبی است خارج از علمی که باید در آن بحث شود وهر مقدمه مباحث ومطالبی را که باید در آن علم از آن گفتگو شود بطور مختصر بیان میکند یا بعبارت دیگر مقدمه موضوع و فایدهٔ علم مورد بحث را شرح میدهد

موضوع هر علم از عوارض ذاتی آن دانش صحبت میکند مثلا فیزیك وشیمی هردو وابسته باجسامند ولی موضوعشان باهم فرق دارد زیرا فیزیك در انبساط وانقباض واشکال ظاهری اجسام وشیمی درماهیت و مادیت آن اجسام گفتگو میکند بعلاوه هر علم دارای تعریفی است که مربوط به فایده آن علم میباشد

پس مقدمه موضوع وفایده هر دانشی را قبل از ورود در آن ذکر میکند

خداوند در مقدمه کتاب خویش موضوع واصول مهمه وهدف وفایده رسیدن بآن هدف را بیان فرموده یعنی قرآن خود را معرفی کرد ومطالبی درباره مومن ومنافق و کافر بیان کرد سپس جملگی افراد بشر را مخاطب ساخته فرمانی عمومی صادر نمود که زمین را بیك معبد حقیقی تبدیل نموده وهمه متوجه معبود حقیقی بشوید . صاحب آسایشگاه وآفریننده خود را بشناسید .

این عالم مصنوع خداست برنامه زندگی در آنهم باین هم ازجانب او باشد از اینرو انبیا وکتب آسمانی را نازل ساخت تا باندای وجدان افراد بشر کمك کنند . انبیاء هم امتیازات ونشانه‌هائی دارند من جمله نشانه صدق وراستی پیغمبر اسلام قرآن اوست سپس نتیجه کفر و بی اعتنائی بقرآن وهمچنین نتیجه عمل صالح وایمان را بیان کرد

موضوع دیگر یرا که نباید از نظر دور داشت آنستکه پایه علوم بروی بدیهیات نهاده شده . مثلا اگر کسی بخواهد هندسه بخواند در بدو شروع ناچار است یك سلسله مطالب را بنام فطریات وبدیهیات قبول کند تا بتواند توسط آنها مطالب دیگر را استدلال کرده بفهمد بطور کلی پایه تمام علوم بروی بدیهیات وفطریات گذاشته شده مثلا یکنفر منجم که در احوال ستارگان بررسی میکند وروابط آنان را بایکدیگر معین مینماید از بدیهیات شروع کرده تا بدین مرحله رسیده . ما میگوئیم این دو خط مساوی بایك خط دیگر باهم مساویند اگر بپرسند میگوئیم این موضوع بدیهی است پس نردبان علوم از بدیهیات شروع شده از اینرو علمای تربیتی بزرك کمتر با استدلال و دلیل سخن میگویند وبیشتر ازراه مثال و نشان دادن بدیهیات با مردم صحبت میکنند . اگر احیاءالعلوم غزالی را بنگریم یا مثنوی مولوی را ببینیم یا گلستان وبوستان سعدی را مشاهده کنیم خواهیم دید همیشه ودرهمه جا مقاصد ومطالب خود را در ضمن حکایت یا مثلی ادا میکنند

قرآن که بزرگترین کتاب تعلیم وتربیت است باسبك ساده وشیرین ودرعین حال کامل دقایق علمی واخلاقی ورموز سعادت ورستگاری را در ضمن مثالهای کوچك وبزرگ روشن میکند

خدا پس از اینکه مقدمه وموضوع و فایده قرآنرا ذکر کرد وشروع بزدن مثل میکند وحقایق ومطالبی را که مردم با حواس ظاهر خود نمیتوانند دریابند بصورت مثل بیان میکند

اگر کسی بخواهد بکودکی لذت تحصیل علم را بفهماند ناچار است برای او مثلی بزند مثلا شیرینی علم وثمره دانش را درمثالی بگنجاند تا آن طفل را ترغیب وتشویق کند مانند اینکه بگوید میوه دانش چون قند شیرین است

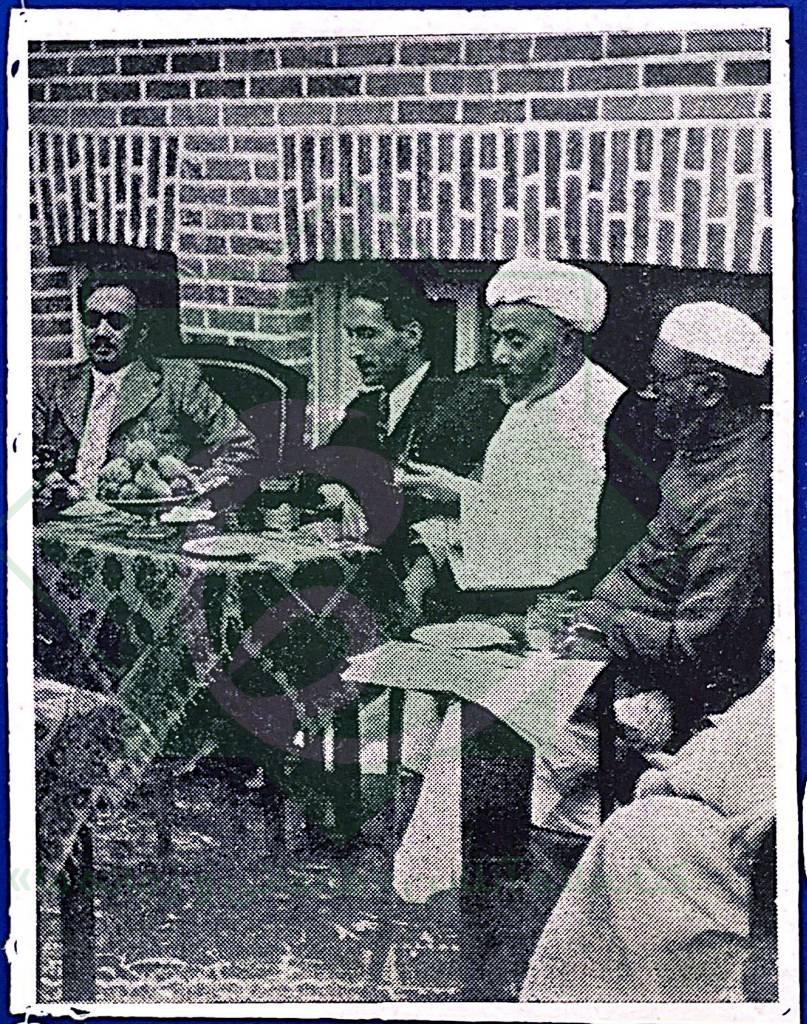
قرآن در آیه پیش حقایق معنوی را باانهار واشجار وبا وبوستانها چون لذایذ مادی وطبیعی قابل درك واحساس ساخت رموز را که بشر کوته فکر نمیتوانست دریابد در قالب لفظ و جمله بصورت مثالی بیان کرد در اینجا هم متذکر میشود که خدا باك ندارد به پشه‌ای یا بالاتر از آن مثل بزند ، پشه . پیش مردم نادان کوچك است که نمیتوانند یکدنیا قدرت را در آن مشاهده کنند .

ضرب مثل شاید از ضرب العود (زدن تار) گرفته شده باشد زیرا مثال هم چون تار دارای آهنك ومقصود مخصوصی است وبعلت آنکه آثار خاصی را تولید میکند و آهنك مخصوصی را میرساند ومیتوان آنرا در موارد مختلف بیان کرد ونتیجه گرفت که قرآنهم مطالب دقیق علمی ورموز رقیق اخلاقی را ضمن مثلی بیان میکند وتاریخهای مثل گذشته ووقایع وحوادث را مثل میزند واز آن نتیجه میگیرد

با این مثالها عده‌ای هدایت میشوند اما دسته دیگر که تصمیم گرفته‌اند پرده‌ای بین خود وحقایق بکشند از براه افتادن آن عده متحیر ومبهوت میگردند ومیگویند مقصود خدا از این مثل چیست که عده‌ای را هدایت و دسته‌ای را گمراه میکند اما بجز افراد فاسق کسی گمراه نمیشود

آیین اسلام

سال چهارم
شماره ۲۱
« مسلسل ۱۷۶
جمعه ۳ مهر
۱۳۲۶
۱۱ ذیقعده ۱۳۶۶



گوینده حضرت آقای طالقانی

اقتباس از درس تفسیر قرآن انجمن اسلامی دانشجویان در شبهای جمعه

(۹)

ندای عام قرآن

الذین ینقضون عهدالله من بعد میثاقه ویقطعون ماامرالله به ان یوصل ویفسدون فی الارض اولئك هم الخاسرون .

همان کسانیکه پیمان خدارا پس از بستن واستحکام آن میشکنند وآنچه را خداوند امر به وصل آن داده است میبرند ودرزمین فساد مینمایند اینان همان مردم زیانکارند .

فاسقین کسانی هستند که ایمانهای فطری خودرا که طالب هدایت وخواهان سعادت میباشد خفه میکنند ومجالی به فطرتهای پاك خود نمیدهند تا دعوت انبیاء را که برای یاری آمده‌اند اجابت کنند .

فاسقین افرادی هستند که برخلاف آنچه خدا امر کرده قیام میکنند یعنی برخلاف نظام آفرینش چه تکوینی چه تشریعی صف آرائی کرده قد علم میکنند و از فرامین صانع عالم سر باز میزنند . این اشخاص درراه شهوات وهواهای پست شیطانی وسرپیچی ازقوانین طبیعت میکوشند . اما آیا یاری وتوانائی مقاومت وپایداری دارند ؟ نه اینان کسانیند که دربرابر پشه‌ای ناتوان وعاجزند ومعلوم است که دراین معامله وبر سراین سودا بس زیان خواهند کرد .

کیف تکفرون بالله و کنتم امواتا فاحیاکم ثم یمیتکم ثم یحییکم ثم الیه ترجعون .

چگونه خدارا ازنظر دور میدارید ؟ درصورتیکه شما مردگانرا زنده کرد بعد میمیراند وباز زنده میکند سپس بسوی او بازگشت میکنید .

این آیه درعین آنکه مبادی خلقت را بیان میکند استدلال محکم ومتینی است دراثبات صانع عالم .

همانطور که دیدیم قرآن افراد را بسه دسته تقسیم کرد: مؤمن ، منافق و کافر وصفات ونشانه‌های هریك رابیان ساخت : مؤمن کسی است که به ثابتات عالم ایمان آورد . منافق آنکس است که منکر حقایق وثابتات عالم نشد ولی چون دسته نخست دارای ایمان متین وپاك نیست کافر کسی است که منکر حقایق وثابتات عالم میباشد .

قرآن دربرابر کافران ازاینجا شروع باستدلال نموده میگوید : چگونه خودرا محبوس حجاب کفر میسازید واین حقیقت بزرگتراز هرچیزرا ازیادمیبرید بااینکه شمامردگانرا زنده کرده بعد میمیراند و باز زنده میکند سپس بسوی او بازگشت میکنید .

دراینجا ممکن است سئوالی پیش آید که حیات ومات چیست وچگونه یکی زنده میشود یامیمیرد ؟ وآیاحیات وجود دارد ؟ آری زیرا نبات وحیوان جنبش دارند وفعالیت وحرکت یکی ازآثار زندگی است .

بسم الله الرحمن الرحیم

اسلام وعلم

شکی نیست که یکی ازبزرگترین صفات کمال انسانی علم است واو یکی ازبزرگترین نعمتهای خداوندی است که ببشر عنایت فرموده تاخودرا ازکوری جهل و نادانی برهاند بشر میتواند آنقدر باعلم خودرا بالا برد که روح معنویش ازملائکه بالاتر شود . گوهر علم است که انسان را بزرگ وبمقام ارجمندی میرساند علم است که انسان را ازچاه ضلالت وگمراهی بشاه راه سعادت میرساند . علم است که سبب پیشرفت وترقی هرفرد بلکه هرتوده واجتماعی میباشد وبالاخره علم بود که بعضی ازممالك را ازچنگال وحشیگری رهانید . چون علم ودانش دارای مقامی بس بلند ومرتبه است لذا دین مقدس اسلام باو اهمیت بسزائی داده آیات واخباری که در اینمقام ازائمه اطهارعلیهم السلام واردشده نه بحدی است که بتوان دریك مقاله یاچند مقاله آنهارا ذکر کرد وبا بیان چندآیه از قرآن مجید وچندخبر اکتفا میکنم خداوند تبارك وتعالی در قرآن شریفش میفرماید هل یستوی الذین یعلمون والذین لایعلمون یعنی آنانکه میدانند با آنانکه نمیدانند آیا مساویند درجای دیگر میفرماید ومن یؤت الحکمة فقد اوتی خیرا کثیرا یعنی هر کس حکمت باو داده شد خیر بسیار دریافت کرده ازحضرت پیغمبر صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمودند اطلبوا العلم ولو بالصین یعنی طلب علم کنید هرچند درممالك دوردست باشد مانند چین ونیز ازایشان روایت شده که فرمودند ساعتی نشستن درمجلسی که درآن گفتگوی علمی باشد بهتراست در نزد خداوند ومحبوبتر است بسوی او ازبیداری هزارشب که درهرشبی هزار رکعت نماز کرده شود و محبوبتر است درنزد خدا ازهزار دفعه جهاد نمودن درراه خدا وهمچنین میفرماید علماء وارث پیغمبرانند وعلم را ازآنها ارث میبرند وازحضرت سجاد علیه السلام روایت شده که فرمودند اگر مردم بدانند که چه نیکوئی هائی درطلب علم است همه مردم دنبال آن خواهند رفت اگرچه خون ایشان ریخته وبدریا فرورونند .

دراینجاروی سخن خودرا بجوانان بیدانشی میکنم که بدون اطلاع وازروی بیخردی حرفهای پوچ وبی معنائی میزنند مثل اینکه میگویند اسلام بادانش وعلم مخالف است بایشان میگویم اولا آیا شما که چنین حرفهای بی مغزی میزنید مطالعاتی درکتب اخبار کرده‌اید یاآیا شده است تابحال ازشخص باخبری اطلاع حاصل نمائید تا اینکه بفهمید که چه اندازه دین مقدس اسلام اهمیت بعلم ودارنده علم میدهد وثانیا آیا دیده شده که شخص عاقلی چنین کاری کند که باچیزهائی که مخالف است آنهارا اهمیت دهد دین مقدس اسلام ازروزی که ازافق مکه طلوع نموده تابعد وتابحال پیروانش را همیشه بعلم ودانش ترغیب نموده چه او دینی است که هر اندازه شخص دانشش زیادتر شود پی بحقانیتش بیشتر خواهد برد والسلام علی من اتبع الهدی —

اهواز الاحقر مرتضی الانصاری